

## Islamic Knowledge and Insight

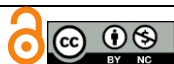
### Analysis of Patience and Gratitude from the Perspective of the Quran with Reference to Human Education

1. Rasoul Zarini: PhD student, Department of Quran and Hadith Sciences, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran
2. Seyed Hamid Hosseini\*: Assistant Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran. (Email: Hoseinihamid2@gmail.com)
3. Abolfazl Yadolahi Aslan: Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran

#### Abstract

In the Holy Quran, patience (*ṣabr*) and gratitude (*shukr*) are emphasized as human virtues with significant educational value. Patience, by emphasizing the acceptance of suffering, enables individuals to perform better and more resiliently in daily affairs, while gratitude, as a form of acknowledgment of divine blessings, empowers individuals to face life's challenges with optimism and high morale. Patience, on an individual level, strengthens faith and certainty, and in the context of family life, it contributes to the stability of relationships, enhances self-confidence, creates a healthy atmosphere, and fosters achievements such as self-sufficiency and the purification of economic activities. Regarding gratitude to God, the Quran highlights numerous educational functions, among the most important of which are attaining the station of divine contentment (*riḍā*), deliverance from punishments and afflictions, eligibility for eternal rewards, and the increase and continuity of blessings. In the Quran, gratitude is emphasized as one of the fundamental spiritual and educational principles. It enhances morale and faith and holds considerable significance as a factor in human education. The research methodology employed in this article is descriptive-analytical, using library-based techniques.

**Keywords:** Patience, Gratitude, Education, Human, Quran



**How to cite:** Zarini, R., Hosseini, S. H., & Yadolahi Aslan, A. (2024). Analysis of Patience and Gratitude from the Perspective of the Quran with Reference to Human Education. *Islamic Knowledge and Insight*, 2(4), 25-39.

© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 01 November 2024

Revise Date: 13 November 2024

Accept Date: 04 December 2024

Publish Date: 16 December 2024

## معرفت و بصیرت اسلامی

### واکاوی مساله صبر و شکر از دیدگاه قرآن ناظر به تربیت انسان

۱. رسول زرینی: دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران
۲. سید حمید حسینی\*: استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران. (پست الکترونیک: Hoseinihamid2@gmail.com)
۳. ابوالفضل یدالهی اصلان: استادیار، گروه زبان و ادبیات عرب، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران

#### چکیده

در قرآن کریم از صبر و شکر به عنوان خصایل انسانی واجد ارزش تربیتی برای انسان بسیار یاد شده است. صبر با تأکید بر پذیرش رنج، انسان را قادر می‌سازد تا در امورات جاری بهتر و قوی‌تر عمل کند و شکر به عنوان نوعی از قدردانی از نعمت‌های الهی، آدمی را توانمند کرده تا در مقابل چالش‌های زندگی با روحیه بالا و با امید روبرو شود. صبر در بعد فردی و از حیث تربیت ایمان و یقین انسان را تقویت می‌کند و از بعد خانوادگی شامل استحکام پایه‌های زندگی، بالا رفتن اعتماد به نفس، ایجاد فضای سالم و به نوعی موجبات فتح و پیروزی، خودکفایی، سالم سازی فعالیت اقتصادی را موجب می‌شود. در موضوع شکر به درگاه الهی از نظرگاه قرآن کریم، کارکردهای تربیتی زیادی بر آن مترتب است که از جمله مهمترین آن‌ها می‌توان نبل به مقام رضا، نجات از عذاب‌ها و بلاها، استحقاق ثواب اخروی، افزایش نعمت و تداوم آن را اشاره کرد. در قرآن، بر شکرگزاری به عنوان یکی از اصول تربیتی و روحانی تأکید شده است که باعث تقویت روحیه و ایمان شده و به عنوان عاملی برای تربیت نوع انسان اهمیت بسزایی دارد. روش تحقیق این مقاله، روش توصیفی تحلیلی با فن کتابخانه‌ای می‌باشد.

**کلیدواژگان:** صبر، شکر، تربیت، انسان، قرآن.

**شیوه استناددهی:** زرینی، رسول، حسینی، سید حمید، و یدالهی اصلان، ابوالفضل. (۱۴۰۳). واکاوی مساله صبر و شکر از دیدگاه قرآن ناظر به تربیت انسان. معرفت و بصیرت اسلامی، ۲(۴)، ۲۵-۳۹.

© ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۱۱ آبان ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۲۳ آبان ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴ آذر ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۲۶ آذر ۱۴۰۳

## مقدمه

وجود انسان دارای پیچیدگی و ابعاد مختلفی است. بعد حیوانی او در آغاز تولد بالفعل و پویاست و انسانیتی بالقوه و روحی کمال گرا دارد که با فراهم آمدن شرایط زمینه ظهور می‌یابد. فطرت پاک و خداجوی انسانی به گونه‌ای است که متمایل به سوی تعالی است و گرایشات متعالی او، انسان را به سوی خدا گونه شدن سوق می‌دهد. انسان مختار، با بهره‌گیری از ملزوماتی که حق تعالی در وجودش به ودیعت نهاده است، در سایه پرورش متعادل و هماهنگی بین استعدادها و تمایلات این مسیر خطیر را می‌پیماید. حال می‌توان به ضرورت و اهمیت مساله تربیت که سازندگی روحی و تربیتی انسان بر آن مترتب است پی برد.

در سایه تربیت است که با شناسایی قوا و استعدادهای گوناگون انسان و فضایل و رذایل روح آدمی چگونگی ایجاد تعادل در میان امیال گوناگون و راه و روش پرورش نفس را مهیا می‌سازد. به نحوی که انسان بتواند به کمال استحقاقی خود نائل آید و موانع موجود بر سر راه تکامل را شناسایی و از میان بردارد. بدون آگاهی از مساله تربیت، انسان خود را نمی‌شناسد و حتی بر سر تربیت خویشتن انسانی خود نیز قادر نمی‌گردد.

نظام تربیتی اسلام دارای بنیان‌ها و تعاملی است که با ذهن بشر نا آشنا نبوده است و آدمیان همواره از ابتدای ورود در مباحث تربیتی با رویکردها و تصوراتی وارد می‌شده‌اند که مطابق دریافت‌های ذهنی و تعقل بی‌پیرایه‌ای است که چندان مخدوش نشده و از ضمیر افرادی برخاسته است که روح آنان با زخارف دنیوی مشوش نشده است. به طور کلی هر عملی که از انسان سر می‌زند، موجب به وجود آمدن آثاری در زندگی آدمی می‌شود و در این میان صبر و شکرگزاری که از فضیلت‌هاست و دارای نقش اساسی تربیتی برای انسان است؛ و مورد تاکید خداوند نیز در قرآن کریم قرار گرفته و آثار تربیتی فراوانی از خود در زندگی افراد بر جای می‌گذارد؛ که به بررسی این مفاهیم می‌پردازیم؛ از مسائلی که فرهنگ اسلامی بر آن تأکید کرده و در قرآن و روایات به عنوان خصلتی ارزنده و نیک برای انسان‌ها بیان

شده شکرگزاری و سپاس از بابت نعمت‌های الهی است. «شکر»

شناخت و تشخیص احسان و نیکی و قدردانی در برابر آن است.

یکی از اهداف نعمت‌ها، سنجش میزان شکرگزاری انسان‌ها است. به

این موضوع در قرآن کریم و نهج البلاغه توجه ویژه‌ای شده است و

ملاک خداپرستی، انسانیت انسان، صفت ایمانی، محبوب خدا، صفت

الهی، حکمت، حق خدا، شناسایی نعمت و... خوانده شده است. در

آیات متعددی در قرآن کریم از انسان خواسته که خدا را شکر کند و

قدر نعمت‌های الهی دانسته شود و اولیاء خدا نیز که همواره خودشان

در حد اعلا ستایشگر بودند و این را به دیگران نیز توصیه می‌فرمودند

و شکر را هم ردیف ایمان، توحید، تقوا و... می‌دانستند.. بنظر می‌رسد

که انسان‌ها پس از دریافت نعمت، شکر بجای آورند اما عارفان و

اهل معرفت معتقدند که حتی بلایی که انسان بدان گرفتار می‌شود

جای سپاس دارد و شخصی که به ناراحتی مبتلا شده خداوند را حمد

گوید که از میان بلاهای گوناگون به یکی از آن‌ها گرفتار آمده است.

علماء درجه شکر را از صبر برتر دانسته و گفته‌اند شکر از رضا برخیزد

و ریشه صبر در ناپسندی نهفته است. شکر در قرآن و منابع اسلامی از

مهمترین خصوصیات انسان است. گرچه نعمت‌ها و فضل پروردگار

بسیار زیاد می‌باشد و قابل احصاء نیست اما همین معرفت و شناخت

که بشر بداند از شکر الهی عاجز است مقدمه‌ای بر رویش این فرهنگ

در وجود او خواهد بود. قرآن کریم تشکر از خدا را قرین با ذکر

پروردگار می‌داند و می‌فرماید: فاذکرونی اذکرکم و اشکرونی

ولا تکفرون [بقره/۱۵۲] «پس مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم، و برای

من شکر کنید و کفران نورزید» اینجا یاد کردن و شکر الهی تنها

یک ذکر زبانی صرف نیست بلکه منظور از یاد، پاک ساختن روح و

جان از رذایل و آماده شدن آن برای پذیرش رحمت پروردگار است

و منظور از شکر استفاده کردن هر نعمتی به جای خود و در راه همان

است که برای آن آفریده شده. معنای دیگر شکر که از آیه: اعملوا

آل داود شکرأ [سبا/۱۳] «ای خاندان داود شکر را بجای آوردید»

مستفاد می‌شود این است که شکر بیشتر عمل انسان را در بر می‌گیرد

گرچه یکی از اقسام شکر عمل به جوارح است. اما باید تلاش گردد

با بهره‌گیری صحیح از نعمت‌های داده شده شکر آن را در عمل بجا آوریم که از مراتب شکرست به عبارتی دیگر می‌توان بیان داشت که شکر آن است که انسان همیشه و در همه حال بدون فراموشی به یاد خدا باشد و بدون انجام گناه به دستورات الهی گردن نهد.

امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه این سخن حکمت آمیز به نکته ظریفی درباره آثار شکر نعمت و آثار کفران بیان می‌کند و می‌فرماید: إِذَا وَصَلَتْ إِلَيْكُمْ أَطْرَافُ النِّعَمِ فَلَا تُنْفِرُوا أَفْصَاهَا بِقَلَّةِ الشُّكْرِ [نهج البلاغه / ۱۳] «هنگامی که مقدمات نعمت‌ها به شما روی می‌آورد دنباله آن را به واسطه کمی شکرگزاری از خود دور نسازید»، نعمت‌ها غالباً به صورت تدریجی بر انسان وارد می‌شود و وظیفه انسان هوشیار این است که به استقبال نعمت برود و استقبال از آن راهی جز شکرگزاری ندارد. هرگاه با آغاز روی آوردن نعمت به شکل قلبی و زبانی و عملی پردازد، ادامه خواهد یافت و تا پایان آن نصیب انسان می‌شود. همچنین بسیاری از نعمت‌ها به صورت تدریجی زوال می‌پذیرند؛ هرگاه انسان در آغاز زوالش هوشیار باشد و به شکر قلبی و زبانی و عملی پردازد مانع بازگشت و زوال تدریجی آن می‌شود. این سخن در اصل برگرفته از قرآن مجید است که می‌فرماید: وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ [ابراهیم / ۷] «به خاطر بیاورید زمانی که پروردگارتان اعلام داشت اگر شکرگزاری کنید (نعمت خویش را) بر شما خواهم افزود و اگر ناسپاسی مجازاتم شدید است». قرآن مجید سرگذشت بسیار عبرت آموزی از قوم سبأ نقل می‌کند که خداوند نعمت بسیار وافر به آن‌ها داد و فرمود: كُلُوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَاشْكُرُوا لَهُ بَلَدَةٌ طَيِّبَةٌ وَرَبُّ غَفُورٌ [سبأ / ۱۵] «از روزی پروردگارتان بخورید و شکر او را به جا آورید؛ شهری پاک و پاکیزه در اختیار شماست و پروردگاری آمرزنده» ولی آن‌ها به کفران پرداختند و سد عظیمی که سبب آبادی کشور آن‌ها شده بود بر اثر سیلاب و عوامل دیگر در هم شکست و تمام آبادی و باغ‌ها و مزارع ویران شد به گونه‌ای که نتوانستند در آنجا بمانند و ناچار در اطراف متفرق شدند.

یکی از مفاهیم مهم دیگری که در قرآن کریم مورد توجه قرار گرفته و آثار تربیتی فراوانی در زندگی انسان دارد مفهوم صبر است.... این واژه فقط خطاب به پیامبر اکرم (ص) بیست مرتبه فرمان به صبر آمده است. و اصبر لحکم ربک [طور / ۴۸] «در راه ابلاغ حکم پروردگارت صبر و استقامت کن» تاثیر صبر در زندگی انسان و موفقیت در مسیر تا آنجا است که در چند آیه از قرآن هم خود پیغمبر اکرم صلوات الله علیه توصیه به صبر شده است؛ از جمله ولربک فاصبر [مدثر / ۷] «و برای پروردگارت شکیبایی ورز» این آیه سرلوحه دعوت پیامبر بود و نشان این است که یکی از مهمترین اموری که آن حضرت از ابتدا باید به آن‌ها توجه داشته باشد این است که لازمه‌ی مسئولیتی که بر عهده اش گذاشته شده، صبر کردن به خاطر خداست. صبر در لغت به معنی شکیبایی، بردباری، شکایت نکردن از بلاها و شداید و انتظار فرج می‌باشد و در اصطلاح «خودداری نفس است بر طبق مقتضای عقل و شرع» دین مجموعه‌ای از بایدها و نبایدهاست.

در بین صفات اخلاقی آمده در قرآن، که ناظر به تربیت انسان می‌باشد: صبر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است به گونه‌ای که حتی رسول خدا از این قاعده استثنا نشده‌اند و به داشتن صبر امر شده‌اند، فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُوا الْعِزِّ مِنَ الرُّسُلِ [احقاف / ۳۵] «پس صبر کن آن‌گونه که پیامبران اولوالعزم صبر کردند». قرآن برای صابران پاداش‌های بزرگی در نظر گرفته است:

«وَلَنَجْزِيَنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» [نحل / ۱۶] «و ما به طور مسلم به نیکوترین صورت پاداششان را خواهیم داد». امیر مؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: «وَعَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ فَإِنَّ الصَّبْرَ مِنَ الْإِيمَانِ كَالرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ وَلَا خَيْرَ فِي جَسَدٍ لَّا رَأْسَ مَعَهُ وَلَا فِي إِيْمَانٍ لَّا صَبْرَ مَعَهُ» [نهج البلاغه / ۸۲]. بر شما باد صبر و استقامت و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام دادند آنان را در غرفه‌هایی از بهشت جای می‌دهیم که نهرها در زیر آن جاری است جاودانه در آن خواهند ماند چه خوب است پاداش عمل کنندگان همان‌ها که در برابر مشکلات صبر و استقامت کردند و بر

پروردگارشان توکل می‌کنند، زیرا صبر نسبت به ایمان همانند سر به بدن است. بدن بی سر سودی ندارد و کسی که صبر و استقامت ندارد، ایمان او پایدار نخواهد ماند.

مساله اصلی تحقیق در مقاله پیش رو آنست که با توجه به آیات شریف قرآن و سخنان گهر بار نهج البلاغه جوانب تربیتی مرتبط با مساله صبر و شکر و نیز موانع و آثار تربیتی مترتب بر این دو موضوع تبیین گردد.

حال با توجه به مباحث مطروحه و دغدغه مندی نگارنده از باب موضوعات صبر و شکر ناظر به تربیت انسان سعی در طرح این مساله گردید و بر آن شد که صبر و شکر در قرآن کریم و نهج البلاغه و آثار تربیتی آن بر همه افراد جامعه تحلیل و تبیین و بررسی گردد.

### ارزش و اهمیت صبر از دیدگاه تربیتی در قرآن کریم

قرآن کتاب هدایت و تربیت انسان است. بدیهی است که این کتاب هدایت و تربیت بسیاری از راه کارهای تربیتی را نیز در بردارد که باید استخراج شده و در عمل به کار گرفته شود. از این جهت دستاوردهای علم تعلیم و تربیت جهت هر چه بهتر فهمیدن متون دینی به خصوص قرآن و کاربرد بهتر یافته‌های قرآنی در مرحله عمل قابل استفاده است. از سویی دیگر از قرآن و علوم قرآن نیز می‌توان جهت مطالعه بهتر انسان و پیدا کردن رازهای نهفته درون وی و نیز از روشها و شیوه‌های تربیتی موجود در قرآن برای ارائه نظریه تربیتی و پی ریزی نظام تربیتی سالم و کامل و نیز به مرحله اجرا درآوردن آن بهترین استفاده را برد. یکی از اصول مهم تربیت، اصل صبر و سعه صدر است. مربی باید در تربیت، صبر و حوصله داشته باشد و الا به هدف تربیت نرسد. با بی صبری و حتی کم صبری نمی‌توان کار تربیتی انجام داد. امر تربیت همانند کار باغبان و زارع است؛ یعنی همان گونه که باغبان باید در پرورش گل و نهال صبور باشد، مربی هم باید صبر و حوصله داشته باشد، چون تربیت در ظرف زمان مشخصی به نتیجه می‌رسد. شما اگر عجله کنید، نه تنها به نتیجه نمی‌رسید بلکه محصول باغ شما که فرزندان هستند، از بین خواهند رفت. صبر و سعه صدر از جمله مسائل تربیتی است که از جمله ارزشهای

اخلاقی مسلمانان است و یک مربی مسلمان عالم به علوم قرآنی باید آراسته به این صفات ارزشمند باشد. با مقداری تأمل در قرآن کریم به این نکته پی خواهیم برد که خداوند بیشتر ارزشهای معنوی مانند عمل صالح، شکر، نماز و روزه، توکل، حق و... را در کنار صبر ذکر کرده است. به عنوان مثال مشاهده شده است گاهی والدین یا مربیان به خاطر کم صبری و کم حوصلگی با دانش آموز به نوعی برخورد می‌کنند که ارزش تربیتی انسانی را خدشه دار می‌نمایند. گاهی یک کلمه حرف زشت و یا پیام منفی باعث تحقیر شخصیت فرزند ان می‌شود. بنابراین از رادهای برقراری ارتباط سالم با فرزندان، داشتن حوصله و صبر است؛ چون نداشتن سعه صدر باعث می‌شود که آستانه تحمل فرزندان پایین بیاید و در نتیجه این افراد در آینده نمی‌توانند خوب بدرخشند.

هر کس در مباحث تربیت انسان و در مباحث علوم قرآنی بدنبال صبر و صبوری نباشد و در راستای تعلیم قرآنی صبر قدم بر ندارد به نتایجی از حقیقت صبر دسترسی نخواهد داشت. پس هر ظفر و هر حرکتی در راستای تربیت نفوس مستلزم صبری برگرفته از صبر قرآنی افراد است. در تربیت و در مسیر آموزش علوم قرآن و در قرآن و ناظر به تربیت انسان حقایقی از وصول به تربیت حقیقی انسان‌ها در همه ارکان و در جوامع بشری مشهود و هویداست که هیچ انسان فکور و اهل علمی نمی‌تواند نسبت به حقیقت این موضوع بی تفاوت باشد.

عرصه‌ها و زمینه‌های گوناگونی چه از جهت فردی و چه از جهت اجتماعی در زندگی وجود دارد که انسان تنها با صبر و استقامت می‌تواند آن‌ها را با موفقیت پشت سر بگذارد و جنبه تربیتی و ناظر به تربیت داشتن این موضوع و این خصلت انسانی نمود بیشتری دارد و در ذیل به برخی از این زمینه‌ها و آیات ناظر به هر یک از آن‌ها اشاره خواهد شد: صبر در راه تبلیغ دین: نمونه‌ای بارز از این صبر، صبر تمام پیامبران در مقابل مخالفتها و لجاجت‌های امتهای گوناگون بوده است چنان که در قرآن کریم آمده است: وَلَقَدْ كُذِّبَتْ رُسُلٌ مِنْ قَبْلِكَ فَصَبَرُوا عَلَى مَا كُذِّبُوا وَأَوْدُوا حَتَّى آتَاهُمْ نَصْرُنَا وَلَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ وَلَقَدْ جَاءَكَ مِنْ نَبِيِّ الْمُرْسَلِينَ [انعام/ ۳۴] «پیش از تو نیز پیامبرانی

تکذیب شدند و در برابر تکذیبها صبر و استقامت کردند و در این راه آزار دیدند، تا هنگامی که یاری ما به آن‌ها رسید، تو نیز چنین باش» این یکی از سنتهای الهی است و هیچ چیز نمی‌تواند سنن خدا را تغییر دهد و اخبار پیامبران به تو رسیده است و از میان پیامبران پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله پیوسته در قرآن به صبر و استقامت در این راه مأمور شده است: «فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا وَمِنْ آنَاءِ اللَّيْلِ فَسَبِّحْ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ لَعَلَّكَ تَرْضَىٰ».

مؤمنان و پیروان آن حضرت نیز باید به تأسی از پیامبر، خویش در راه تبلیغ دین در برابر آزار و اذیت مخالفان صبور و شکیبا باشند: لَتَبْلُوَنَّ فِي أَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ وَلَتَسْمَعَنَّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَذًى كَثِيرًا وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ [آل عمران/ ۱۸۶] «به یقین همه شما در اموال و جانهای خود آزمایش می‌شوید و از کسانی که پیش از شما به آن‌ها کتاب (آسمانی) داده شده (یهود) و (همچنین از مشرکان سخنان آزاردهنده فراوان خواهید شنید و اگر استقامت کنید و تقوا پیشه سازید، شایسته‌تر است «زیرا این از کارهای مهم و قابل اطمینان است».

صبر در میدان جنگ: از جمله عرصه‌های دیگری که عنصر صبر در آن نقش اساسی دارد، میدان جنگ و نبرد است. گرچه مفهوم صبر در موارد و زمینه‌هایی چون خویشنداری به هنگام طاعت و معصیت، به نوعی دارای جنبه الهی و معنوی بوده و به تعبیر دیگر، ناظر به رابطه میان انسان و یگانه خالق هستی می‌باشد و از همین رو مفهومی کاملاً دینی تلقی می‌شود، اما باید گفت که جنبه مورد بحث یعنی صبر در میدان جنگ تنها مختص شریعت اسلامی نبوده بلکه در شرایط سخت و خشن زندگی دوران جاهلیت نیز صبر و مقاومت در کنار نیرو و قدرت جسمانی به عنوان یکی از فضائل برجسته اخلاقی به شمار می‌رفته و در حقیقت بخشی از شجاعت بوده است. پس در برابر آنچه می‌گویند، صبر کن! و پیش از طلوع آفتاب و قبل از غروب آن تسبیح و حمد پروردگارت را بجا آور و همچنین برخی از ساعات شب و اطراف روز پروردگارت را تسبیح‌گوی باشد که از الطاف الهی

خشنود شوی چنان که دیده می‌شود که در بسیاری از اشعار عرب جاهلی همواره از صبر و بردباری به عنوان عنصری سازنده و اثر بخش در میداين پر مخاطره نبرد و کارزار یاد شده و به عنوان گونه‌ای از شجاعت و آزادگی مطرح گردیده است. اما با گسترش دین مبین اسلام و در پی آن تکریم و مقدس شمرده شدن امر جهاد در راه خدا این جلوه از مفهوم صبر نیز رنگ و بوی الهی و دینی به خود گرفته و در قرآن کریم بسیار به این مسأله اهمیت داده شده و در موارد فراوانی از مسلمانان خواسته شده که در مقابل دشواری‌ها و مصائب گوناگون میدان جهاد و رویارویی با دشمنان الهی از خود صبر و مقاومت و بردباری نشان دهند. چنان که در آیه‌ای در مدح و ستایش صابران می‌فرماید: وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ [بقره/ ۱۷۷] «و در برابر محرومیتها و بیماریها و در میدان، جنگ استقامت به خرج میدهند اینها کسانی هستند که راست میگویند و گفتارشان با اعتقادشان هماهنگ (است) و اینها هستند پرهیزکاران آیا چنین پنداشتید که تنها با ادعای (ایمان وارد بهشت خواهید شد در حالی که خداوند هنوز مجاهدان از شما و صابران را مشخص نساخته است؟!». در آیه دیگر نیز به اهمیت و ضرورت جهاد در راه خداوند و صبر و استقامت در این مسیر و نقش اساسی و تعیین کننده این امور در رسیدن انسان به سعادت معنوی و ورود به بهشت جاویدان الهی اشاره نموده می‌فرماید: أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَيَعْلَمَ الصَّابِرِينَ [آل عمران/ ۱۴۲] «آیا چنین پنداشتید که تنها با ادعای (ایمان وارد بهشت خواهید شد در حالی که خداوند هنوز مجاهدان از شما و صابران را مشخص نساخته است؟! یعنی داخل شدن در بهشت برین الهی بدون قرار گرفتن در زمره مجاهدین راستین و استقامت کنندگان در راه خدا در صورت بروز شرایط جهاد امکانپذیر نخواهد بود.

همچنین در آیاتی از سوره مبارکه انفال نیز ضمن ترغیب و تشویق مؤمنان به منظور شرکت در جهاد، به مسأله صبر و مقاومت در میدان جنگ و نقش به سزای آن در خصوص دستیابی به پیروزی و غلبه بر دشمنان خدا تأکید شده است. خداوند در این آیات می‌فرماید: یا أَيُّهَا

النَّبِيِّ حَرَضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ؛ أَلَا نَخَفُ اللَّهَ عَنْكُمْ وَعَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا فَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوا أَلْفَيْنِ بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ [انفال / ۶۵ و ۶۶] «ای پیامبر مؤمنان را به جنگ با دشمن تشویق کن هر گاه بیست نفر با استقامت از شما باشند، بر دویست نفر غلبه می کنند و اگر صد نفر باشند، بر هزار نفر از کسانی که کافر شدند، پیروز می گردند چرا که آن ها گروهی هستند که نمی فهمند! هم اکنون خداوند به شما تخفیف داد و دانست که در شما ضعفی است بنا بر این هر گاه یکصد نفر با استقامت از شما باشند، بر دویست نفر پیروز می شوند و اگر یک هزار نفر باشند بر دو هزار نفر به فرمان خدا غلبه خواهند کرد و خدا با صابران است».

این دو آیه کریمه در حقیقت بیانگر وجود رابطه ای مستقیم میان برخورداری از روحیه صبر و استقامت و شکست ناپذیری در راه خدا و چیرگی و غلبه بر دشمنان حتی با وجود نابرابری در تعداد نفرات و قوا و امکانات جنگی می باشد. آیه نخست بیان می کند که مسلمانان اگر از روحیه صبر و مقاومت کافی برخوردار باشند، می توانند بر گروهی معادل ده برابر جمعیت خود از دشمنان الهی پیروز گردند. اما در آیه بعد دستور سنگین فوق را چند درجه تخفیف داده و بیان می کند که حتی با وجود ضعف و سستی در میان نیروها نیز میتوان با حفظ نیروی صبر و مقاومت در جهاد، بر گروهی معادل دو برابر جمعیت گروه خودی چیره شد و از همراهی و استعانت الهی نیز بهره مند گردید.

صبر در برابر دسیسه ها: صبر در برابر دسیسه های دشمنان از دیگر مصادیق صبر است که قرآن کریم از آن یاد نموده و مؤمنان را به آن سفارش کرده است. چنانکه در آیه ۱۲۰ از سوره مبارکه آل عمران ضمن اشاره به عداوت و کینه توزی کفار نسبت به مسلمانان و نقشه های شوم، آنان مؤمنان را به صبر و تقوا در برابر دسیسه ها فرا خوانده می فرماید: «إِنْ تَمْسَسْكُمْ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ وَإِنْ تُصِبْكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ بِمَا

يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ» [آل عمران / ۱۲۰] «اگر نیکی به شما برسد، آن ها را ناراحت می کند و اگر حادثه ناگواری برای شما رخ دهد، خوشحال میشوند. (اما) اگر در برابرشان استقامت و پرهیزگاری پیشه کنید نقشه های خائنه، آنان به شما زبانی نمی رساند خداوند به آنچه انجام می دهند، احاطه دارد».

این آیه شریفه بیان می دارد که صبر و بردباری در برابر دسیسه های کفار همراه با پرهیزکاری سبب مصون ماندن از مکر و حيله دشمنان و بی اثر شدن توطئه های آنان و در واقع، موجب تضمین امنیت مسلمانان می گردد. (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ذیل آیه مورد بحث) و نیز در آیه ای دیگر شخص پیامبر اسلام صلوات الله علیه و آله را به صبر و شکیبایی و عدم دلتنگی در برابر مکر و حيله کفار و معاندین لجوج سفارش نموده می فرماید: «وَأَصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُ فِي ضَيْقٍ مِّمَّا يَمْكُرُونَ» [نحل / ۱۲۷] « (وای پیامبر!) صبر پیشه کن و صبر تو جز (به یاری و توفیق) خداوند نیست و بر آنان اندوه مخور، و از آنچه مکر و تدبیرهای خصمانه ای که می کنند، دلتنگ و در فشار مباش»

پیام این آیه شریفه در حقیقت این است که تنها با استمداد از نیروی صبر و بردباری و استقامت است که می توان بر دسیسه ها و توطئه های مخالفان و معاندان فائق آمد و نقشه های شوم آنان را نقش بر آب نمود و البته این صبر و بردباری تنها در صورتی اثر قطعی خواهد گذاشت که بدون هیچ چشم داشتی انجام پذیرد و تنها برای خدا و به توفیق او بوده باشد.

صبر در معاشرت با مردم: انسان همواره برای حفظ روابط اجتماعی خود و پایداری آن احتیاج به گذشت دارد و با صبر و شکیبایی در این زمینه است که می تواند به مراتب و درجات بالاتر و دشوارتر صبر و استقامت دست یابد. خداوند در قرآن کریم می فرماید: «وَلَا تَسْتَوِ الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ» [فصلت / ۳۴] «هرگز نیکی و بدی یکسان نیست بدی را با نیکی دفع کن ناگاه خواهی دید همان کس که میان تو و او دشمنی است گویی دوستی گرم و صمیمی است».

آنچه را قرآن در این آیه بیان کرده و در آیه ۹۶ سوره مؤمنون نیز به شکل دیگری آمده «ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ السَّيِّئَةِ» [مؤمنون / ۹۶] مهمترین و ظریفترین و پربارترین روشهای تبلیغ مخصوصاً در برابر دشمنان نادان و لجوج است و آخرین تحقیقات روانشناسان نیز به آن منتهی شده است.

از آن جا که چنین برخوردی با مخالفان کار ساده و آسانی نیست و رسیدن به چنین مقامی نیاز به خودسازی عمیق اخلاقی دارد در آیهی بعد مبانی اخلاقی این گونه برخورد با دشمنان را در عبارتی کوتاه و پرمعنی بیان کرده، می فرماید: «وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا وَالَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ» [فصلت / ۳۵] «اما جز کسانی که دارای صبر و استقامتند به این مقام نمیرسند و جز کسانی که بهره عظیمی از ایمان و تقوا دارند به آن نایل نمی گردند».

آری انسان مدتها باید خودسازی کند تا بتواند بر خشم و غضب خویش چیره گردد باید در پرتو ایمان و تقوی آن قدر روح او وسیع و قوی شود که به آسانی از آزار دشمنان متاثر نگردد، و حس انتقام جویی در او شعله ور نشود روحی بزرگ و شرح صدر کافی لازم است تا شخص به چنین مرحله ای از کمال انسانیت برسد که بدیها را با نیکی پاسخ گوید (Makarem Shirazi, 1995).

آیه ی دیگر در مورد یکی از آداب اخلاقی و اجتماعی است «إِنَّ الَّذِينَ يَأْتُونَكَ مِنْ وَرَاءِ الْحُجُرَاتِ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ» [حجرات / ۴] «(ولی) کسانی که تو را از پشت حجره ها بلند صدا میزنند، بیشترشان نمی فهمند!».

صبر در برابر استاد: نمونه ی این صبر در قرآن کریم در داستان حضرت خضر و موسی علیه السلام است. این داستان پر از نکات آموزنده و انسان ساز است حضرت موسی علیه السلام برای فرا گرفتن علوم تازه ای نزد حضرت خضر علیه السلام آمد و از او تقاضا کرد تا از علومی که خدا در اختیارش گذاشته چیزی به ایشان بیاموزد زیرا این علوم غیر از «علم شریعت» بود که حضرت موسی علیه السلام بر آن آگاهی کامل داشت این علوم مربوط به اسرار تکوینی حوادث مختلف جهان بود (Makarem Shirazi, 1995, 2009).

2011) ولی به هر حال حضرت خضر علیه السلام که از بی صبری حضرت موسی علیه السلام در برابر این آموزش نگران بود به او چنین گفت «قَالَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا» و «كَيْفَ تَصْبِرُ عَلَى مَا لَمْ تُحِطْ بِهِ خُبْرًا» [کهف / ۶۷ و ۶۸] گفت: تو هرگز نمی توانی با من شکیبایی کنی و چگونه می توانی در برابر چیزی که از رموز آگاه نیستی شکیبا باشی؟! حضرت موسی علیه السلام به حضرت خضر علیه السلام قول داد که صابر و شکیبا باشد ولی حوادث و پیش آمدها چنان عجیب و تکان دهنده بود که پیمانانه صبر حضرت موسی علیه السلام که از اسرار آن آگاه نبود لبریز شد و دو بار زبان به اعتراض بر حضرت خضر علیه السلام گشود، حضرت خضر علیه السلام نیز پیمانش را در مورد صبر و شکیبایی یادآور گشت و موسی علیه السلام عذرخواهی کرد.

انواع صبر از دیدگاه قرآن برای همه انبای بشریت و برای آحاد مردم در اقصی نقاط عالم مورد بررسی واقع شده است و در این گنجینه و ذخیره الهی و منبع فیض ازلی قرآن کریم تنوع صبر و صابران چه از نوع اثبات آن و چه از حیث نفی آن مورد بررسی دقیق قرار گرفته است که جلوه حقیقی و حقیقت مطلق این صفت الهی که اگر در مجرای الهی خویش و در مقایسه با حقیقت قرآن مورد دقت قرار گیرد می توان راهیابی انسان را به کمال بشریت سهل و آسان نماید که اگر توان صبر در کنترل امیال و همه جوانب انسانی مورد دقت واقع شود انسان می شود همان انسان آرمانی الهی که هدف از خلقت را محقق خواهد کرد.

صبر به عنوان یک مفهوم قرآنی که در منابع اسلامی بسیار مورد توجه قرار گرفته است، گستره ای بس وسیع دارد و می تواند سراسر زندگی انسان و حیطه های گوناگون آن اعم از فردی و اجتماعی را تحت تاثیر قرار دهد. به همین دلیل، ملا احمد نراقی بر این باور است که بسیاری از صفات اخلاقی ریشه در صبر دارد شاید به همین دلیل باشد که در سوره عصر، صبر به عنوان یکی از چهار رکن رهایی از خسران و زیان تلقی شده است. با توجه به اهمیت و نقش صبر، می توان انتظار داشت که اهتمام به این مفهوم بنیادی قرآنی، در همه ارکان و عناصر

نظام تعلیم و تربیت و علی‌الخصوص تربیت خاص قرآنی و تربیت‌های اعم از رسمی و غیررسمی، مد نظر قرار گیرد. از اینرو، در پژوهش حاضر، در خصوص دلالت‌های تربیتی تنها می‌توان به طرح کلیاتی پرداخت. نگارنده بر این باور است که مفهوم صبر قابلیت آن را دارد که در چندبخش مورد مطالعه و از زوایای مختلف تربیتی به آن پرداخته شود.

به طور کلی سه اصل عمده را می‌توان از مفهوم‌پردازی صبر و مبانی آن استنتاج نمود. این سه اصل عبارت‌اند از:

### ۱- اصل تدریج و روش مرتبط با آن

تدریج یا تدرج اصل جدیدی نیست، بلکه از بنیادی‌ترین اصول قرآنی در تربیت انسان است که مورد توجه صاحب نظران و متخصصان این حوزه قرار گرفته است (باقری، ۱۳۸۵ ص ۱۲۳). ولی از مفهوم قرآنی صبر نیز می‌توان این اصل مهم و بنیادی را استخراج کرد. عالم ماده، که انسان در آن زندگی می‌کند، عالمی زمان‌مند و تدریجی است و براساس مبانی انسان شناختی تغییرات و تحولات ابعاد مختلف روح و بدن انسان نیز به تدریج صورت می‌گیرند. به این ترتیب، طبیعی است که آگاهی بخشی، انتقال مهارت و شکوفاسازی استعدادها، یکبارد و ناگهان حاصل نمی‌شود و تعلیم و تربیت، فرایندی تدریجی است که در بستر زمان و طی مراحل خاص و با پشت سر گذاردن پیش نیازها و مقدمات خود، تحقق می‌یابد. اصل تدریج در نظام تکوین و تشریع، اصلی پذیرفته شده است. اخلاق آدمی که از آن می‌توان به سیمای باطن یاد کرد، بخشی از نظام تکوین است که برای تحوّل و تغییر، نیازمند زمان است. از این رو، همان گونه که تحوّل فطرت پاک انسانی در اثر ارتکاب جرائم مختلف و پی در پی به نهادی درنده خو، طبعاً محکوم قانون تدریج و زمان بر است، اصلاح و پیراسته ساختن نفس آدمی از صفات زشت و ناروا نیز به زمان نیاز دارد و طبعاً محکوم قانون تدریج است. توجّه به اصل تدریج در تربیت اخلاقی، زمانی اهمیت خود را باز می‌یابد که توجّه داشته باشیم که تحوّل اخلاقی دشوار و بس پیچیده است. امام صادق فرمودند: ازاله الجبال أهون من ازالة قلب عن موضعه (Majlisi, 1935) از جا

کندن کودها آسان‌تر از آن است که قلبی را از جای آن (اخلاق ثابتش) جابه‌جا کنند.

### ۲- اصل تاثیر صفات تربیتی

یادگیری اخلاقی همچون صبر همچون یادگیری زبان مادری است که انسان‌ها در هر مکانی، اطلاعاتی در این زمینه می‌گیرد (Karimi, 1992). مفهوم صبر و ارتباط آن با کسب معرفت و شناخت، حکایت از آن دارد که صفات اخلاقی در کسب شناخت و چگونگی آن (برای مثال چگونگی قضاوتها، تفسیرها و تبیینها) سهم بسزایی دارد. به سخن دیگر، صفات اخلاقی می‌توانند، چگونگی کسب شناخت انسان را تحت تاثیر قرار دهند. یادگیری، طیف وسیعی از مسایل و موضوعات را دربر می‌گیرد که در میان آن‌ها ارزشهای اخلاقی از مهمترین و اساسی‌ترین مسائل است.

### ۳- اصل تاثیر شناخت در صفات تربیتی

متقابلاً شناخت و معرفت نیز در رشد اخلاقی انسان موثر است. به دیگر سخن، شکل‌گیری صفات مثبت اخلاقی و رشد و توسعه آن‌ها و نیز کاهش رذایل اخلاقی، تا اندازه زیادی مدیون میزان آگاهی، شناخت و معرفت انسان است. از این رو، افزایش میزان آگاهی، احتمال رشد و تقویت صفات پسندیده و کاهش صفات نکوهیده اخلاقی را افزایش می‌دهد. البته لزوماً آگاهی و معرفت عقلانی به رشد اخلاقی منتهی نمی‌شود. ولی زمینه و بستر مناسبی را فراهم می‌آورد و به همین دلیل احتمال رشد اخلاقی را افزایش می‌دهد. در این میان بایستی در نظر داشت که شناخت شهودی و اشرافی تاثیر بیشتر و قطعی‌تری در اخلاق ایفا می‌نماید. به عبارت دیگر، دستیابی به معرفت شهودی که باعث بصیرت انسان می‌گردد، تبعات و پیامدهای اخلاقی نیز خواهد داشت (Shamshiri & Shirvani Shiri, 2011).

### ارزش و اهمیت شکر از دیدگاه تربیتی در قرآن کریم

شکرگزاری بدرگاه الهی از مهمترین خصوصیات انسان است. گرچه نعمت‌ها و فضل پروردگار بسیار زیاد می‌باشد و قابل احصاء نیست

اما همین معرفت و شناخت که بشر بداند از شکر الهی عاجز است مقدمه‌ای بر رویش این فرهنگ در وجود او خواهد بود.

شکر دارای سه رکن است: اول شناخت منعم و صفات شایسته ی او و معرفت نعمت از حیث این که نعمت است. دوم حالتی است که ثمره ی این معرفت است و آن خضوع و تواضع به سرور نعمت است از جهت این که آن نعمت هدیه‌ای است که عنایت منعم به تو را نشان می‌دهد. سوم عملی که ثمره ی این حالت است زیرا که این حالت وقتی در قلب پیدا شد یک حالت نشاطی برای عملی که موجب قرب حق میشود را حاصل میکند و آن عمل متعلق است به قلب و زبان و جوارح و عمل بر سه گونه است عمل قلب (قصد تعظیم و تمجید منعم و تفکر در آفریده‌ها و آثار و لطف و احسان او به تمامی بندگان عمل زبان تمجید) و تسبیح و تهلیل و امر شکر به معروف و نهی از منکر و دیگر موارد عمل جوارح استفاده از نعمت‌های ظاهر و باطن در عبارت او و استعانت از آن‌ها در جلوگیری از معصیت (Kashani & Sayyid Muhammad Sadiq, 2000). در ادامه به کارکردهای تربیتی شکر از منظر قرآن پرداخته شده است.

### نیل به مقام رضا

رضا عبارت است از خشنودی بنده از حق تعالی که برخی از عالمان اخلاق با استفاده از آیات و روایات مقام رضا را این گونه تعریف کرده‌اند: رضا آن است که شخص به آنچه در زندگی قسمت او می شود و از سوی خداوند برای او مقدر می‌گردد، خشنود باشد و بر آن اعتراضی نداشته.

مقام رضا مقامی والا و بلند است که برای رسیدن به آن باید بسیار تلاش کرد، رضا یعنی انسان با زبان و در دل از مقدرات الهی راضی بوده و هیچ گله و شکایتی نداشته باشد. کسی که راضی به رضای حق است، نسبت به تک تک احکامی که خداوند متعال در قرآن عزیزش فرموده، از ته دل راضی است لذا کوشش می‌کند تا در عمل نیز عامل به احکام الهی باشد.

انسان شکر گزار با مطیع کردن نفس خود به دنبال خشنودی خداست؛ به عبارت دیگر، کسی که در زندگی شکر گزار خدا باشد، دست از

زیاده‌خواهی بر می‌دارد و به آنچه خداوند به او عنایت کرده است بسنده می‌کند در این صورت است که به مقام رضا دست یافته است؛ چنان که قرآن کریم می‌فرماید: *إِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ وَلَا يَرْضَىٰ لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ وَإِنْ تَشْكُرُوا يَرْضَهُ لَكُمْ...* [زمر / ۷]؛ اگر همه کافر شوید خدا از طاعت همه شما البته بی نیاز است و کفر و شرک را بر بندگان نمی‌پسندد و اگر طاعت و شکرش به جای آرید از شما آن پسند اوست. بنده‌ای که خدا از او راضی باشد، قطعاً او نیز از پروردگارش رضایت دارد؛ چنان که قرآن کریم می‌فرماید: *...رضی الله عنهم ورضوا عنه...* [مائده / ۱۱۹] هم خداوند از آن‌ها خشنود است و هم آن‌ها از خدا خشنودند.

نیل به مقام رضا، به مثابه یک هدف و مقصود در زندگی شخصی است که می‌تواند به عنوان یک فرایند تربیتی مهم برای انسان عمل کند. با توجه به تعریف‌های مقام رضا که در پاسخ قبلی ذکر شد، تربیت انسان برای نیل به این مقام عبارت است از:

۱. شناخت و تسلیم به اراده الهی: تربیت برای نیل به مقام رضا، نیازمند شناخت و درک اراده الهی و مقدرات او است. انسان باید بتواند دست از اعتراض و شکایت بردارد و با تسلیم به اراده خداوند، رضایت و خشنودی او را پسندیده و از آنچه برایش قسمت شده است راضی باشد.

۲. تمرکز بر انجام فعالیت‌های مطابق با اراده الهی: تربیت برای رسیدن به مقام رضا، نیازمند پیروی از احکام و دستورات خداوند است. این شامل رعایت اصول و اخلاق دینی، انجام وظایف واجب و مستحب، اجتناب از ممنوعیت‌ها و گناهان و عمل به مشورت‌ها و راهنمایی‌های الهی می‌شود.

۳. ارزش‌های دینی و معنوی را در زندگی تجربه کند: تربیت برای نیل به مقام رضا، نیازمند رشد دینی و معنوی انسان است. او باید توانایی تجربه ارتباط نزدیک با خداوند را پیدا کند و بتواند از طریق عبادت و تأمل در آیات قرآن و آداب دینی، در درک عظمت و قدرت الهی پیشرفت کند.

۴. تقویت قدرت‌های روحانی و ذهنی: تربیت برای رسیدن به مقام رضا، نیازمند تقویت و توسعه قدرت‌های روحانی و ذهنی انسان است. او باید مهارت‌های معنوی خود را تقویت کند و با تمرکز بر عمل به اراده الهی، اندیشه مثبت و سازنده را در خود توسعه دهد.

۵. توسعه ارزش‌های شکرگزاری و رضایت: تربیت برای نیل به مقام رضا، نیازمند توسعه ارزش‌های شکرگزاری و رضایت انسان است. شخص باید از نعمت‌ها و برکات خداوند شکرگزاری و پرستش کند و هیچ گله و شکایتی نداشته باشد. این برنامه تربیتی به او کمک می‌کند تا از زیاده‌خواهی، تمسک به مادیات و شکایت‌های بیهوده دست بردارد و به نعمت‌ها و مقدرت‌های الهی پسندیده باشد.

با توجه به مطالب بالا، نیل به مقام رضا می‌تواند باعث رشد دینی و معنوی، عمل به اراده الهی، تجربه قرب الهی، تقویت قدرت‌های روحانی و ذهنی، و توسعه ارزش‌های شکرگزاری و رضایت در انسان شود. این فرایند تربیتی در کمک به انسان برای زندگی بر اساس اراده الهی و دستورات او بسیار مؤثر است و به نتیجه‌ای مثبت و الهام‌بخش در رسیدن به مقام رضا منجر می‌شود. شکر همراه با رضایعنی انسان در تمام عمرش شادمان است زیرا شاکر بودن نتیجه شادمانی از یک امری است و آن اعتماد به خداوند که هرچه برای او پیش آمده است همه خیر و نیکی می‌داند.

### نجات از عذاب‌ها و بلاها

درک عظمت خالق از طریق ذکر نعمت‌های الهی و سپس شکرگزاری در برابر نعمت‌های او از اصول رویکرد تربیتی در قرآن کریم و نهج البلاغه است شکر نعمت نقطه مقابل کفران نعمت قرار دارد، کفران نعمت از گناهان کبیره و به معنای ناسپاسی و استفاده نابه جا از نعمت‌ها و ضد شکر نعمت است. و از آنجا که شخص در واقع در پوشاندن ارزش نعمت سعی می‌کند، به عمل او کفران نعمت می‌گویند ناسپاسی از نعمت‌های الهی عذاب‌های جسمی و روحی را به دنبال دارد؛ چنان که قرآن کریم می‌فرماید: وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمَنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ؛ [نحل / ۱۱۲]

خداوند (برای آنان که کفران نعمت می‌کنند، مثلی زده است؛ منطقه آبادی که امن و آرام و مطمئن بود و همواره روزیش از هر جا می‌رسید اما به نعمت‌های خدا ناسپاسی کردند و خداوند به خاطر اعمالی که انجام می‌دادند لباس گرسنگی و ترس را براندامشان پوشانید! و نیز می‌فرماید: لَبِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ [ابراهیم / ۷] اگر شکر کنید البته نعمت را بر شما زیاد می‌کنم و اگر کفران کنید همانا عذاب من سخت و شدید است.

در مقابل پیامدهای کفران نعمت آیات متعددی شکر نعمت را مانع عذاب معرفی می‌کنند مَا يَفْعَلُ اللَّهُ بِعَذَابِكُمْ إِنْ شَكَرْتُمْ وَآمَنْتُمْ وَكَانَ اللَّهُ شَاكِرًا عَلِيمًا [نساء / ۱۴۷]، اگر سپاسگزار و مؤمن باشید چرا خداوند شما را عذاب کند خداوند شکرپذیر داناست.

خداوند متعال در این آیه سپاسگزاری از نعمت‌های الهی را مانع نزول عذاب معرفی می‌فرماید و در ادامه نیز خود را با صفت شاکریت معرفی می‌نماید. گویا این عبارت به این مطلب رهنمود دارد که خداوند متعال نیز به ازاء اطاعت پذیری بنده با وارد کردن او در رحمت خود و نگه داشتن بنده از عذاب الهی از او شکرگزاری می‌کند.

همچنین می‌فرماید: وَلَقَدْ آتَيْنَا لَقْمَانَ الْحِكْمَةَ أَنْ اشْكُرْ لِلَّهِ وَمَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ [لقمان / ۱۲] به راستی و درستی لقمان را حکمت دادیم که برای خدا شکر کن و هر کس شکرگزارد، تنها به سود خود شکر می‌گزارد؛ و هر کس کافر شود یا کفران کند، پس خدا همانا بی‌نیازی ستوده است.

### استحقاق ثواب اخروی

شکرگزاری در برابر نعمت‌های خداوند عامل برخورداری از پاداش الهی قرآن کریم در آیات متعددی در این باره چنین فرموده است.... و سیجزی الله الشاکرین [آل عمران / ۱۴۵] و البته خدا جزای نیک اعمال به شکرگزاران عطا کند. و این مساله شکر خدا از انسان نیکوکار است. خداوند به نوعی شکرگزار بندگان نیکوکار خویش می‌باشد. به این معنی که خداوند پاداش عمل صالح آدمی را به نیکی

می‌دهد، بنابراین چون عمل آدمی مورد لطف و شکر خداوند واقع می‌شود آن عمل، مشکور خوانده می‌شود.

علامه طباطبائی در توضیح جمله سیجزی الله الشاکرین می‌نویسد: حقیقت شکر، اظهار نعمت است و اظهار نعمت به این معناست که آن را در جای خود استعمال کنی، آنجایی که دهنده نعمت در نظر داشته و نیز به این معنا است که آن را به زبان بیاوری و منعم را در برابر دادن این نعمت، ثنا بگویی و مرحله دیگر اظهار نعمت این است که در قلب هم به یاد آن و به یاد منعمش باشی و از یادش نبری (Tabataba'i & Muhammad Baqir, 1995).

و نیز قرآن می‌فرماید: نغمه من عندنا کذلک نجرى من شکر[قمر / ۳۵] این نعمتی بود از ناحیه ما این گونه کسی را که شکرگزار است پاداش می‌دهیم.

مرحوم علامه همچنین در تبیین آیه فوق می‌نویسد: پاداش شکر به درگاه الهی نجات آفرین است و نجات نعمتی مخصوص است (Tabataba'i & Muhammad Baqir, 1995).

جزای شکرگزاری در برابر نعمت‌های الهی هدایت‌پذیری و برگزیدگی است؛ چنانچه قرآن کریم حضرت ابراهیم علیه السلام را هدایت یافته و برگزیده الهی معرفی می‌فرماید: إن إبراهیم... شاکراً لأنعمه اجتناء وهده إلی صراط مستقیم، [نحل / ۱۲۰، ۱۲۱] همانا ابراهیم (خلیل) همیشه شکرگزار نعمت‌های خدا بود که خدا او را به رسالت برگزید و به راه مستقیمش هدایت فرمود از این آیه می‌توان چنین استفاده کرد که چون حضرت ابراهیم الله نسبت به نعمت‌های الهی شکرگزار بود در این راه ایستادگی کرد و از مشرکان اعراض نمود خداوند او را به عنوان رسول خویش برگزید و به راه راست هدایت کرد؛ لذا برای اینکه درهای رحمت‌های الهی در برابر ما باز شود باید شکرگزار باشیم تا زمینه دریافت نعمت‌های بیشتر را مهیا کنیم؛ بنابراین شکر در دنیا به انسان عزت و جایگاه می‌دهد و موجب هدایت او می‌شود.

علامه طباطبائی در این باره می‌نویسد: «این آیه درباره حضرت ابراهیم علیه السلام است؛ پس علت اینکه خداوند ایشان را برگزیده و او را

برای خود خالص نموده شکرگزار بودن او در برابر نعمات الهی است و به همین دلیل هم خداوند او را به صراط مستقیم و راه محک که هرگز پوینده آن گمراه نمی‌شود هدایت فرمود و او را از پراکندگی در مذاهب گوناگون حفظ نمود (Tabataba'i & Muhammad Baqir, 1995).

از جنبه تربیتی، شکر و تشکر به خاطر پاداش اخروی می‌تواند اثرات مثبت و تربیتی مهمی داشته باشد. در اینجا به برخی از این اثرات می‌پردازیم:

۱. ایجاد احساس قدردانی: شکر و تشکر به نفرات احساس قدردانی و تشکر می‌دهد که یکی از خصوصیات اخلاقی مهم است. این قدردانی و تشکر به معنای قدردانی از لطف و لطف الهی و همچنین تلاش و کوشش دیگران است. این احساس می‌تواند نشان دهنده انسانیت و ارتباط متقابل با دیگران باشد و احساس کمک به بالا بردن ارزش تلاش‌های انسان‌ها بر مبنای کاری است که به درخور پاداش است.

۲. تعالی روحانی و معنوی: شکر و تشکر به خاطر پاداش اخروی می‌تواند نشان دهنده روحانیت و ارتباط انسان با معنویت و خداوند باشد. با اعمال شکرگزاری، فرد می‌تواند احساس ارتباط با خداوند و نیروهای معنوی را تجربه کند و بر این اساس، روحیه و روحانیت خود را بالا ببرد.

۳. تربیت انسان به سمت مسئولیت‌پذیری: شکر و تشکر به خاطر پاداش اخروی می‌تواند نشان دهنده مسئولیت‌پذیری فرد در قبال نعمت‌ها و خوبی‌هایی باشد که در اطراف خود می‌بیند. این احساس می‌تواند فرد را متعهد به انجام وظایف خود نماید و او را به ارزش‌گذاری به نعمت‌ها و آمادگی برای بهره‌برداری صحیح از آن‌ها ترغیب کند.

۴. تربیت انسان به سمت انسان‌مداری: شکر و تشکر به خاطر پاداش اخروی می‌تواند به فرد کمک کند تا در تعاملات اجتماعی، به طور مهربانانه به دیگران رفتار کند و با ارزش‌های انسانی مانند عدالت و

مهربانی همراه باشد. این ارزش‌های انسانی می‌تواند تأثیر مستقیمی بر روابط اجتماعی و انسجام بین افراد داشته باشد.

بنابراین، شکر و تشکر به خاطر پاداش اخروی از جنبه تربیتی می‌تواند به عنوان یک فاکتور ارزشمند در تربیت انسان، نقش مهمی ایفا کند. این احساس نه تنها به فرد کمک می‌کند تا روابط اجتماعی خوبی را تجربه کند، بلکه همچنین به ترقی روحانی و معنوی و همدلی با دیگران کمک می‌کند.

### افزایش نعمت استمرار و تداوم آن

شکرگزاری از نعمت‌های الهی کارکردهای تربیتی زیادی را برای انسان در همین دنیا به ارمغان می‌آورد که آشکارترین آن فراوانی روزی فزونی خیر و برکت دوام و ماندگاری نعمت و در امان ماندن نعمت از بلا و نعمت می‌باشد، اثر تربیتی گرانمایی که از رهگذر آیات و روایات به خوبی قابل اثبات و دستیابی است؛

چنان که قرآن کریم می‌فرماید: «وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ أَنتَ عَذَابِي لَشَدِيدٌ» [ابراهیم / ۷] پروردگارتان اعلام داشت که اگر شکرگزاری کنید نعمت خود را بر شما خواهم افزوده و اگر کفران و ناسپاسی کنید، مجازاتم شدید است. این بدان معناست که شکر و سپاس از نعمتی موجبات افزایش بهره‌مندی شخص از نعمت دیگر بیشتر می‌شود و از جهات دیگر بهره‌مندی‌های او نسبت به نعمت افزایش می‌یابد از این رو خداوند مصداق افزایش را بیان نمی‌کند و می‌فرماید که سپاسگزاری افزایش نعمت را در پی دارد اما در این زمینه مساله یا موضوعی را معین نکرده است تا ابعاد افزایش گسترش یابد و موضوعات و مسائل متنوع و گوناگونی را در برگیرد.

امام صادق در پاسخ به این سؤال که آیا آیه «اگر سپاس گوید؛ نعمت شما را می‌افزایم» شامل شکر نعمت ظاهری می‌شود؟ فرمود، آری کسی که خدا را بر نعمت‌هایش ستایش کند و سپاس گوید و بداند که آن نعمت‌ها از جانب خداست نه دیگری خداوند بر نعمت‌هایش می‌افزاید، زیادتی نعمت برای کسی است که حمد و شکر خداوند را

بر نعمت‌هایش به جا آورد و بداند که نعمت‌ها تنها از آن خدا و از سوی اوست؛ نه از غیر او.

و نیز قرآن مجید می‌فرماید: «لَقَدْ كَانَ لِسَافٍ فِي مَسْكَنِهِمْ آيَةٌ جِئَانِ عَنْ يَمِينٍ وَشَمَالٍ كُلُوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَاشْكُرُوا لَهُ بَلْدَةً طَيِّبَةً وَرَبُّ غَفُورٌ: فَأَعْرَضُوا فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرِمِ وَبَدَّلْنَاهُمْ بِجَنَّتَيْهِمْ جَنَّتَيْنِ ذَوَاتِي أُكُلٍ خَمْطٍ وَأَثَلٍ وَشَيْءٍ مِنْ سِدْرٍ قَلِيلٍ: [سبا / ۱۵، ۱۶] و برای اولاد و قوم سبا در وطنشان (سرزمین یمن و شام) از راست و چپ (جنوب و شمال دو سلسله باغ و بوستان آیتی از لطف و رحمت حق) بود (همه پر نعمت و به آن‌ها گفتیم که بخورید از رزق خدای خود و شکر وی به جای آرید که مسکنتان شهری نیکو و پر نعمت است و خدای شما غفور و مهربان است؛ اما آن‌ها از خدا روی گردان شدند و ما سیل ویرانگر را بر آنان فرستادیم و دو باغ پربرکت شان را به دو باغ (بی-ارزش) با میوه‌های تلخ و درختان شوره‌گزر و اندکی درخت سدر مبدل ساختیم. یکی از سنت‌ها و قوانین الهی پذیرفته شده در نهاد همه انسان‌ها آن است که سپاس‌گزاری وسیله‌ی افزونی نعمت هاترار داده شده است.

### افزایش وجودی انسان

اینکه در در برخی اشعار فارسی برگرفته از آیات و روایات آمده است شکر نعمت نعمت افزون کند کفر نعمت از کفت بیرون کند مطلب درستی است؛ اما بر اساس آیات قرآن چیزی که با شکر نعمت، اتفاق می‌افتد مسأله‌ای فراتر از افزایش خود نعمت است؛ زیرا خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ (ابراهیم) اگر سپاسگزار باشید هر آینه بر شما می‌افزایم. این بدان معناست که شکر نعمت موجب می‌شود تا خداوند ظرفیت وجودی انسان را افزایش دهد، شرح صدر در انسان پدید آید و در جان و روح او رشد و کمال ایجاد شود و زمینه را برای بهره‌مندی بیشتر از نعمت‌های جدید یا همان نعمت پیشین در قالب بهتر و سود بیشتر فراهم آورد. و در نهایت او را در مقام قرب الهی قرار دهد.

با توجه به آیات قرآن کریم، شکرگزاری و تشکر از نعمت‌ها به وسیله تربیت انسان می‌تواند عواقب مثبتی را به دنبال داشته باشد. در واقع،

خداوند در قرآن می‌فرماید: "اگر سپاسگزار باشید، هر آینه بر شما می‌افزایم" (ابراهیم: ۷). از این آیه می‌توان نتیجه گرفت که شکر نعمت باعث افزایش و گسترش نعمت‌ها می‌شود.

تربیت انسان از طریق شکرگزاری و تشکر از نعمت‌ها به صورت زیر انجام می‌شود:

۱. ارتقای وجود: شکرگزاری و تشکر از نعمت‌ها باعث می‌شود خداوند ظرفیت وجودی انسان را افزایش دهد. به این ترتیب، انسان در تکامل و پیشرفت خود تحقق پیدا می‌کند و به تدریج دستاوردهای بیشتری را در جان و روح خود بدست می‌آورد.

۲. رشد و کمال: شکرگزاری و تشکر از نعمت‌ها به انسان کمک می‌کند در جان و روحش رشد و کمال ایجاد کند. این عمل باعث می‌شود تا او در تلاش برای ارتقای روحی، اخلاقی و روانی خود پیشرفت کند و به سطح‌های بالاتری از تعالی و بزرگی برسد.

۳. بهترین بهره‌برداری از نعمت‌ها: شکرگزاری به انسان کمک می‌کند تا بهترین بهره را از نعمت‌ها ببرد. این عمل باعث ایجاد توجه و آگاهی بیشتر در انسان می‌شود و او را قادر می‌سازد تا با شناخت و ادراک عمیق‌تری، نعمت‌ها را به طور کامل تجربه کند و از آن‌ها بهره‌مند شود.

۴. قربت به خداوند: شکرگزاری و تشکر از نعمت‌ها نه تنها به افزایش نعمت‌ها و رشد فردی کمک می‌کند، بلکه به ایجاد قربت و ارتباط نزدیک‌تر با خداوند نیز کمک می‌کند. این عمل باعث می‌شود که انسان در مقام قرب الهی قرار گیرد و به عنوان بنده شکرگزار، مورد عنایت و رحمت خدا قرار بگیرد.

با این توضیحات، می‌توان نتیجه گرفت که شکرگزاری و تشکر از نعمت‌ها می‌تواند به تربیت و رشد انسان کمک کند و او را به سمت بهبود و بهره‌مندی بیشتر از نعمت‌های زندگی هدایت کند.

### نتیجه‌گیری

صبر و شکر در دیدگاه قرآن به عنوان دو ارزش مهم در زندگی برای تربیت و پیشرفت انسان بیان شده‌اند. صبر با تأکید بر پذیرش درد و رنج، ما را قادر می‌سازد تا از تجربیات زندگی آموزش بگیریم و بهتر

و قوی‌تر از قبل شویم. همچنین، شکر به عنوان بیانی از قدردانی از نعمت‌های الهی، ما را قادر می‌سازد که در مقابل چالش‌های زندگی با روحیه بالا و باامیدی روبرو شویم. واژه شکر از مفاهیم پربار قرآنی و حدیثی است شکرگزاری تفضلی از سوی خداوند است که نصیب بندگان می‌شود و به انسان شاکر ارزش می‌دهد؛ تشکر از خداوند متعال خصلتی است که هر انسان با ایمان باید برای رهایی از عذاب دنیوی و اخروی و رسیدن به سعادت و اوج کمال انسانی خود را بدین خوی خدایی آراسته گرداند. در نگاه قرآن کریم، شکر به درگاه الهی کارکردهای تربیتی زیادی دارد که از جمله مهمترین آن‌ها را می‌توان به مقام رضا، نجات از عذاب‌ها و بلاها، استحقاق ثواب اخروی، افزایش نعمت استمرار و تداوم آن و افزایش وجودی انسان اشاره کرد. صبر در تعالیم اسلامی دارای مفهوم گسترده‌ای است و در قرآن کریم به عنوان اصل اولیه ایمان و یک ارزش اخلاقی و عملی در زندگی بشر مورد تأکید قرار گرفته است. در قرآن کریم، صبر به عنوان یکی از ارکان ایمان و ثبات انگیزه دین در برابر انگیزه هوی و الهام گرفته شده از پیامبران و اولیای الهی تأکید شده است. در قرآن، نوع دیگری از توصیف صبر شامل صبر در برابر آزمایش‌های خداوند، صبر در برابر نیک و بدبختی‌های زندگی انسان، صبر در برابر ناموفقیت و شکست، صبر در برابر فراز و نشیب‌های زندگی و صبر در برابر تحمل عذاب و سخت‌گیری‌های دنیوی و دیگر انواع صبر و مراتب آن تشریح شده است. از دیدگاه قرآن بعد تربیتی فردی صبر شامل؛ تقویت ایمان و یقین، آسانی در پی سختی، اثرات روحی و روانی، شکست‌ناپذیری، برور خصلت‌های نیک و نهان و از بعد خانوادگی شامل؛ استحکام پایه‌های زندگی، بالا رفتن اعتماد به نفس، ایجاد فضای سالم و با نشاط در خانواده، و در بعد اجتماعی لازمه همزیستی مسالمت آمیز، فتح و پیروزی، خودکفایی، سالم سازی فعالیت اقتصادی، کم شدن فقر و بیکاری را شامل می‌شود. از جمله پیشنهادات پژوهشی برای مطالعات آتی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

این پیشنهادها می‌تواند به پژوهشگران کمک کند تا در بررسی و تحلیل مسئله صبر و شکر از دیدگاه قرآن و نهج‌البلاغه و تأثیر آن‌ها در تربیت انسان، عمق و جزئیات بیشتری داشته باشند.

### مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

### تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

## EXTENDED ABSTRACT

The Holy Quran emphasizes the virtues of patience (ṣabr) and gratitude (shukr) as central elements in human education, reflecting their transformative power in individual and social contexts. This article explores these virtues from a Quranic perspective, analyzing their impacts on spiritual, emotional, and practical dimensions of life. Employing a descriptive-analytical methodology and grounded in library-based research, this work sheds light on the theological and pedagogical significance of these traits.

Patience is portrayed in the Quran as the ability to endure hardships with resilience and acceptance, serving as a vital tool for personal growth and emotional stability. Gratitude, on the other hand, manifests as a heartfelt acknowledgment of divine blessings, fostering optimism and high morale. Both virtues are interconnected, creating a foundation for a balanced spiritual life. For instance, the Quran states: "If you are grateful, I will surely increase your favor; but if you deny, indeed, My punishment is severe" (Ibrahim: 7), emphasizing the tangible and spiritual rewards of gratitude.

Patience contributes significantly to individual and familial development. On a personal level, it strengthens faith and fosters perseverance in the face of adversity. Within family dynamics, it enhances relationship stability, builds trust, and promotes an atmosphere conducive to harmony and

۱. بررسی تأثیر صبر و شکر بر تربیت اخلاقی، روحی و روانی انسان، و نقش آن‌ها در افزایش خردمندی، مقاومت در برابر مشکلات و تغییرات زندگی و ایجاد رشد فردی.

۲. بررسی تأثیر صبر و شکر بر احساس سعادت، رضایت زندگی و بررسی نقش آن‌ها در بهبود کیفیت زندگی انسان.

۳. بررسی نمونه‌های از شخصیت‌ها و واقعیت‌های تاریخی در قرآن و نهج‌البلاغه که با استفاده از عناصر صبر و شکر، تربیت انسانی را رقم زده‌اند.

mutual respect. The Quran repeatedly instructs the Prophet Muhammad (PBUH) to remain patient, as in: "And be patient, for indeed, Allah does not allow the reward of those who do good to be lost" (Hud: 115). This guidance underscores the universal relevance of patience as a pedagogical tool.

Gratitude is celebrated in the Quran as a pathway to divine contentment (riḍā) and a safeguard against adversity. It is associated with eternal rewards and the amplification of blessings, as emphasized in "So remember Me; I will remember you. And be grateful to Me and do not deny Me" (Al-Baqarah: 152). The act of gratitude extends beyond verbal acknowledgment to include actions that align with divine will, making it a multidimensional practice with profound educational implications.

Both patience and gratitude have far-reaching societal impacts. Patience fosters resilience in communal life, enabling individuals to contribute constructively to collective endeavors. Gratitude, by contrast, nurtures a culture of mutual appreciation and trust, enhancing social cohesion. These virtues are instrumental in shaping moral and ethical frameworks within societies, aligning human behavior with divine principles.

The Quranic discourse on patience and gratitude is deeply rooted in Islamic theology and philosophy. Scholars such as Tabatabai (1995) and Mutahhari (2010) have explored these concepts extensively,

linking them to broader metaphysical and epistemological questions. Gratitude, for example, is not merely an act of acknowledgment but a profound expression of understanding divine mercy and human dependence on God. Similarly, patience reflects an alignment with divine decrees, fostering a sense of surrender and spiritual elevation.

The virtues of patience and gratitude, as presented in the Quran, offer a comprehensive framework for human education. They are not only spiritual imperatives but also practical tools for navigating life's complexities. Future research could delve deeper into their role in fostering ethical leadership, enhancing emotional intelligence, and building resilient communities. This exploration would further solidify their significance in contemporary educational paradigms.

## References

- Karimi, A. a.-A. (1992). *Stages of Ethical Formation in Learning*. Abid Publications.
- Kashani, M. M. F., & Sayyid Muhammad Sadiq, A. (2000). *The Bright Path: Translation of Muhajjat al-Bayda*. Astan Quds Razavi.
- Majlisi, M. B. (1935). *Bihar al-Anwar*. Javid Publications.
- Makarem Shirazi, N. (1995). *Tafsir Nemooneh*. Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
- Makarem Shirazi, N. (2009). *A Fresh and Comprehensive Commentary on Nahj al-Balagha*. Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
- Makarem Shirazi, N. (2011). *The Message of Imam Amir al-Mu'minin*. Imam Ali Ibn Abi Talib.
- Shamshiri, B., & Shirvani Shiri, A. (2011). The Concept of Patience in the Qur'an. *Islamic Education Journal*, 5(21), 48-74.
- Tabataba'i, M. H., & Muhammad Baqir, M. (1995). *Tafsir al-Mizan*. Daftar Nashr Islami.